وسوگند وام ایمن نام دایه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلم ایمن بکسر الف
ومیم بی ترس واین اماله آمن است واستعمال فارسیانست نه تازیان ایتمان
ایمن داشتن کسی را ایان بالفتح وبالکسر وتشدید یا سوال است از زمان
چیزی الالف مع الواو الو بالفتح بلا و بیماری شدید ومرکب وزاه وبخششها
الو بالفتح وبضمتین وتشدید واو تقصیر کردن وترک کردن وتوانستن الو
بفتحتین وسکون واو خداوندان جمع ذو از غیر لفظ او بالفتح حرف تردید
بمعنی یا وبمعنی بلکه نیز آمده است الالف مع الهاء ابه بالفتح وبفتحتین در
یافتن چیزی یا فراموش کردن ویاد آوردن ابرقوه بفتحتین شهریست بفارس
معرب برکوه یعنی طرف کوه ابله نادان وسلیم القلب بله بالضم جمع اجباه
بالکسر وتشدید تا متوجه شدن اجبه بفتح دو نهانی
الف وباء موحده بزرگ پیشانی وشیر درنده ادجاه بالکسر پس انداختن کاری
از وقت خود استکراه ناخوش داشتن چیزی اشتباه مانند شدن چیزی بچیزی
وپوشیدن چیزی برکسی اشباه بالکسر مانند کردن وبالفتح مانند آن جمع شبه بالکسر افواه
بالفتح دهنهای جمع فوه بالفتح وچیزهای خوشبو که بدان بوی خوش را اصلاح دهند ونیکو
سازند چنانکه توابل چیزهای که بدان طعام را خوش بو سازند چون گشنیز وزیران
افاویه جمع وصاحب قاموس گوید افواه توابل یا آنچه بدان بوی خوش را اصلاح
کنند والوان شکوفه واقسام آن واصناف وانواع چیزها واحدش فوه افاویه
جمع الجمع اکواه بزور برکاری داشتن اکناه واکتناه رسیدن کنه چیزی را
الاه بفتحتین سرگشته شدن وجزع وزاری بسیار کردن برکسی الاله بالکسر وتا الف
غیر مکتوب بعد لام پرستیده شده الله نام ذات حق تعالی ودیگر اسما نامهای
جل جلاله

بفتحتین

صفاتند

صفاتند امه بفتحتین فراموش وفراموش کردن امتاه بیدار شدن اوه بالفتح
ناله کردن وشکوه نمودن أوّاه بالفتح وتشدید واو نرم دل ومرد مومن وفقیه
ایهٍ بالکسر کلمه که در وقت بازداشتن از چیزی گویند یعنی بس کن الالف
مع الیاء آبی بالمد سرکشی کننده ابی بالفتح وتشدید تاء دو نقطه سرکش
اثانی بالفتح ویک پایهای اجنبی بتشدید یا بیگانه ادانی نزدیکان
اری بالفتح کینه ورشدن وعسل کردن زنبور وعسل وآری السحاب
باران آسی بالمد غمناک وپشیمان وطبیب اسی بفتح همزه وکسر سین
وتشدید یا محزون واثر ونشانه سر اعجمی آنکه تازی زبان نباشد
اعادی دشمنان اغانی بتشدید یا جمع اغنیه وبالضم وتشدید یا نوعیست
از سرود اقاصی دوران امانی به تشدید یا جمع امنیه بالضم وتشدید
یا معنی آن گذشت امّی بالضم وتشدید میم ویا آنکه نوشتن نداند یا آنکه از خلقت
امی باشد که کتاب نخوانده باشد انسی بالکسر آدمی وروی کمان که بطرف
کماندار باشد وطرف چپ هر چیزی واصمعی گوید طرف راست هر چیزی وگفته است
که از هر دو عضو انسان چون دو ساعد ودو قدم وهرچه روبان دارد انسی
وحشی است اوالی ظرفها اواقی جمع اوقیه وآن گذشت ایدی وایادی
دستها ونعمتها اما اول بمعنی دست بسیار استعمال شده وثانی بمعنی نعمت وآنچه در قرآن
واقعست ولما سقط فی ایدیهم یعنی آن پشیمان شدند باب الباء مع الالف
باقلا بهمزه وتشدید لام وبی همزه معروف واز اقوال لغازیر گویند باخود الا سخنی که با
ناموزون بیت روزی باشد باساء بالفتح وبهمزه بوشاد بهمزه وبالضم سخنی بیغا
بالفتح طوطی بتراء بریده دم وبلی فرزند وبلی چیز وخطبه ورساله که ابتدا از آن حمد خدا
ونعت رسول نباشد بحیرا بالضم نام راهبی که در راه شام بانتظار لقای جمال پیغمبر آخر

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)